



روایتی تازه از سردرگمی وافت قاسمپور
که دیگر شبیه خودش نیست

ناگامی‌های کامران

صفحه ۴

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4472 | WED.NOV.26, 2025 | ISSN:2008-2886

| ۱۹۱ سال و ۸۶ روز گذشت |

روزنامه صبح ایران



صحنه طبقاتی

نگاهی به ضرورت همگانی بودن هنر
به بهانه روی صحنه رفتن نمایش‌هایی
که نرخ بلیت‌شان سرسام‌آور است

صفحه ۸



چهارشنبه ۵ آذر ۱۴۰۵ | ۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ | ۲۶ نوامبر ۲۰۲۵ | سال هجدهم | شماره ۸۴۷۲ | صفحه ۱۰ هزار تومان



طرح ترامپ برای توقف جنگ اوکراین

باعث افزایش نگرانی مقامات اروپایی نسبت به سیاست‌های واشنگتن شده است

اروپایی اعتماد به آمریکا

۷۳ در صد اروپایی‌ها ترامپ را تهدیدی برای صلح و امنیت اروپا می‌دانند

صفحه ۷

میدان نبرد جمهوری اسلامی ایران «معنا» است

بنا شده است. شعارها عمدتا علیه وضع موجود است اما تهی از معنا. تصویری منادار هم از آینده ارائه نمی‌شود که بتواند در دل زندگی ایرانی بنشیند.

در بسیاری موارد، این گفتمان‌ها اتصال خود را با ریشه‌های فرهنگی و دینی جامعه از دست داده‌اند. تصویری که از ایران مطلوب ارائه می‌شود، موهوم و مضحک است و کپی الگوهای ناینجایی، بدون آنکه ترجمه‌ای معنایی برای آن در زمینه تاریخی و فرهنگی ایران انجام شود؛ پس حتی وقتی بخش‌هایی از جامعه از وضع موجود ناراضی هستند، باز هم نمی‌توانند خود را در افق معنایی که از بیرون برای آنها ترسیم می‌شود، بازابند.

■ ژئوپلیتیک روح: نبرد نهایی بر سر تعریف «انسان»

برای جمهوری اسلامی ایران، میدان اصلی نبرد، میدان معناست. این نبرد پیش از آنکه نظامی، اقتصادی یا دیپلماتیک باشد، بر سر این است که چه کسی می‌تواند به زندگی ایرانی، به تاریخ، انقلاب، آینده و ایران و مفاهیم بنیادین مانند آزادی، عدالت و استقلال معنای موثر و کارآمد ببخشد. این میدان چند سطح دارد: در سطح روایت تاریخی، نزاع بر سر این است که «ایران» چیست و «انسان ایرانی» کیست. در امتداد آن، رخدادهای ایرانی چگونه باید فهم شود؛ آیا این رخدادها تجربه‌هایی رهایی‌بخش و عزت‌آفرین بوده یا شکست‌هایی پرهزینه و بی‌ثمر؟ در سطحی دیگر و در امتداد همین روایت، سبک «بودن» مطرح می‌شود؛ بحث بر سر اینکه الگوی مطلوب زندگی ایرانی چیست. در سطح آینده‌نگاری، نزاع بر سر تصویر ایران آینده است: ایران به عنوان کشوری مستقل و مقاوم با هویتی دینی و ملی یا ایرانی هم‌شده در هاضمه نظم جهانی با هویتی عمدتا مصرفی و فردگرا. اینجا «معنا» خود جنس قدرت است و دعوا بر سر این است که آیا ما ملتی تاریخ‌سازیم یا قربانیان منفعل تاریخ؟ هر فرد یا جریانی که بتواند برای تجربه زیسته مردم و افق پیش روی آنان معنایی پذیرفتنی‌تر و الهام‌بخش‌تر خلق کند، بزرگ‌ترین سرمایه‌نمادین را برای راهبری جامعه در اختیار خواهد گرفت.

* جامعه‌شناس سیاسی

ایجاد کند که تا امروز نیز بر ما تاثیر می‌گذارد و برمی‌انگیزاند.

■ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: دیده‌بان قلعه «معنا» و معمار گرانبگاه قدرت

رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان تلاشی نظام‌مند برای حفظ و بازآفرینی میدان معنا دانست. در بیانات ایشان از همان سال‌های نخست رهبری تا امروز تعبیر و واژگان بر جسته‌اند. در این بیانات، تلاش دشمن برای تغییر ذهن و باور جامعه، هشدار همیشگی بوده و تولید و توضیح روایت‌های درست از انقلاب، نظام، تاریخ و آینده نیز به عنوان مهم‌ترین وظایف شناخته شده است. واژگان و استعاره‌هایی که در گفتمان رهبری به کار می‌رود هم از همین نگاه سرچشمه می‌گیرد؛ نگاهی که در آن کلمات کهنه نمی‌شوند، بلکه معناهایی زنده‌اند که باید برای نسل‌های جدید بازتعریف شوند. گرافه نیست اگر بگوییم رهبری ایشان در واقع امر، رهبری میدان معنا بوده است.

پرسش مهم این است: چرا تا امروز، جمهوری اسلامی ایران با وجود تمام فشارهای اقتصادی و سیاسی و رسانه‌ای توانسته استمرار یابد؟ بخشی مهم از پاسخ به این بازمی‌گردد که نظام سیاسی در ایران هنوز به ذخایر عظیم معنایی متصل است که به لایه‌های مختلف جامعه نفوذ کرده. جمهوری اسلامی در عین حال که نظامی معنا‌ساز است، از جهان معنای جامعه نیز تاثیر می‌پذیرد و بر غنای خود می‌افزاید. مناسک مذهبی، حضور در آیین‌های جمعی، علاقه به اسطوره‌های دینی و ملی و معنا دادن به رنج‌ها در افق وسیع‌تر، همه نشانه‌هایی است از اینکه میدان معنا هنوز فعال است. حافظه جمعی ایرانیان تا همین امروز نشان داده جامعه ایران هنوز آماده است رنج و هزینه را در افق معنایی خاصی بفهمد، به شرط آنکه احساس کند این معنا حقیقی و صادقانه است و می‌تواند زندگی‌اش را پیش ببرد.

در این کارزار، چرا اپوزیسیون و مخالفان رنگارنگ، با وجود تمام حمایت‌های زرین و رسانه‌ای، هنوز نتوانسته‌اند قلب مردم را فتح کنند؟ پاسخ در «فقر معنا» نهفته است. بخش قابل توجهی از گفتمان اپوزیسیون بر نفی و سلب

است، شهادت، امامت و... همگی عناصر یک دستگاه معنایی جدید بودند که توانستند بخش‌های مختلف جامعه را حول خود بسیج کنند. مطالعه شعارهای انقلاب نشان می‌دهد بخش بزرگی از این شعارها ترکیبی از واژگان دینی، ملی و عدالت‌خواهانه بود که توانست قدرت و خدا را در لایه‌هایی عمیق بیان می‌کنند. برقرار کند و حضرت امام خمینی در مرکز این فرآیند قرار داشتند. به تعبیر برخی پژوهشگران، امام توانستند به زندگی معنای تازه‌ای ببخشند و میان ایمان فردی و کنش جمعی پیوندی مستقیم برقرار کنند.

به همین دلیل، انقلاب اسلامی در ایران تنها تغییر رژیم سیاسی نبود، بلکه تجربه‌ای بود که در آن میلیون‌ها نفر احساس کردند معنای تازه‌ای برای رنج تاریخی، تحقیر استعمار، فقر، زندگی و حتی مرگ خود پیدا کرده‌اند. در این نگاه، «شهید» انسان تلف‌شده نیست؛ انسان «زنده» است و با مرگ خود زندگی می‌آفریند. معناست که اینچنین محدودیت‌ها را از بین می‌برد و رهایی می‌بخشد و هیچ حد توقفی را در نظر نمی‌گیرد. این میزان از انباشت معنا، به انقلاب بُعدی عاطفی و وجودی بخشید که در بسیاری از انقلاب‌های مدرن دیده نمی‌شود.

بر پایه چنین زمینه‌ای بود که جمهوری اسلامی از آغاز خود را تنها به عنوان دستگاه جدید حاکمیت سیاسی تعریف نکرد، بلکه مدعی بود حامل ارزش‌ها و معناها، خاصی است. قانون اساسی، نهادهایی مانند ولایت فقیه، نقش مردم در تعیین سرنوشت‌شان و تقریبا تمام کنش‌های سیاسی همه در افق معنایی، رنگ دیگری به خود گرفت. در تجربه دفاع مقدس، این بعد معنایی، به اوج رسید. جنگ ۸ ساله هم صرفا جنگ برای خط و مرز جغرافیایی نبود، بلکه میدانی معنایی بود که نبردهای بزرگ تاریخی را در عرصه امروز مجسم می‌کرد. مردم با وجود تمام مشکلات، می‌جنگیدند و مجروح می‌شدند و جان می‌دادند، زیرا همه آن مشکلات را در این افق معنایی بزرگ‌تر می‌دیدند و تحمل

این نوع از جنگیدن بود که توانست سرمایه عظیمی هم برای جامعه و هم برای نظام سیاسی

یک حادثه تلخ نمی‌بیند و خود را هم به بندش گرفتار نمی‌کند، بلکه آن را در افق وسیع‌تر تفسیر می‌کند.

شعر و ادب فارسی هم نوعی تمرین جمعی در معنابخشی است. بخش بزرگی از حافظه ایرانیان از شعرهایی پرآمده که تجربه عشق، مرگ، فقر، قدرت و خدا را در لایه‌هایی عمیق بیان می‌کنند. همین عادت به سخن گفتن چندلایه، بتدریج ذهن معنامحوری را برای جامعه ایران ساخته که زورش بسیار بر ذهن فایده‌محور می‌چرید.

■ پوسته‌های مدرن بر جان‌های بی‌قرار: تجدد ایرانی و تشدید پرسش از معنا

تاثیرپذیری ایران از روندهای مدرنیته از قرن نوزدهم به این سو، با چالشی بزرگ همراه بود؛ از یک سو نیاز به نظم جدید سیاسی و اقتصادی و علمی گریزناپذیر بود و از سوی دیگر، انسان ایرانی همچنان نمی‌توانست جهان معنایی خود را کنار بگذارد و جهان جدید معنایی را که برای او هنوز بی‌معنا بود، بپذیرد. مدرنیزاسیون پهلوی هم از آن جهت ناکام ماند که بیشتر بر نوسازی صوری و نهادهای اداری و ارتش و شهرسازی متمرکز بود و نتوانسته بود متناظر با پروژه‌ها، برای ایرانیان معنا بسازد؛ نتیجه این شد که شکافی میان زبان رسمی قدرت و زبان عمیق فرهنگی جامعه پدید آمد.

در این موج سه‌همگین، دین به مهم‌ترین پناهگاه برای حفظ معنا تبدیل شد؛ برای بسیاری از خانواده‌ها، حتی در فرآیند شهرنشینی و آموزش مدرن، دین تنها مجموعه‌ای از احکام فقهی نبوده، بلکه به عنوان منبع معنا و هویت کارکرد داشته و دارد. این واقعیت، از همان ابتدا زمینه‌ای فراهم کرد که تا بعدها نیز هر گونه تلاش برای تغییر سیاسی در ایران صرفا با شعارهای تقلیدی جذاب، حقوقی و لیبرال پیش نرود، بلکه نیازمند افق معنایی گسترده‌تری باشد.

■ رستاخیز واژگان: چگونه انقلاب «زندگی» را بازتعریف کرد؟

با همین نگاه، انقلاب اسلامی هم تنها انقلابی صرفا سیاسی نبوده؛ خدای بود که میدان معنای ایرانی را به شکل فشرده و پرقدرد در سطحی وسیع بازآرای کرد. واژگان انقلاب اسلامی مانند استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، مستضعفان،



یادداشت

علی کاکاندز قوی*

در جغرافیای جان ایرانی، زندگی هرگز تنها تپش نبض و گردش خون نبوده است. ایران، سرزمینی است که در آن، نان را همواره با نمک «معنا» خورده‌اند و آب را به «یاد» نوشیده‌اند. در بسیاری از جوامع مدرن، هویت فردی و جمعی بیشتر در افق مصرف، شغل، تفریح و حقوق فردی تعریف می‌شود اما در اینجا حتی وقتی این عناصر حضور دارند، کافی به نظر نمی‌رسند و نوعی طلب معنا در سطحی عمیق‌تر همچنان فعال است. این وضعیت برآمده از تاریخ طولانی تمدنی «معنابنیاد» است که از یک سو بر میراث فلسفی و عرفانی و از سوی دیگر بر تجربه تاریخی تشیع و مناسک دینی استوار مانده و میراث ادبی و شعری نیز به آن استمرار بخشیده است. فرهنگ ایرانی از نخستین صورت‌بندی‌های خود تا امروز، زندگی را تنها مجموعه‌ای از اعمال و قراردادهای ندیده، بلکه لایه‌ای نمادین و رمزآلود بر آن افزوده است.

■ از قاف سیمرغ تا دشت بلا: دیرینگی معنا در زیست‌بوم اندیشه ایرانی

درخت تناور معنا ریشه‌هایی دارد که تا اعماق تاریخ نفوذ کرده است. ایران، پیش از آنکه نماینده مرزهای سیاسی باشد، قلمرو معنا بوده و هست. از گاهی که نیاکان‌مان سیمرغ را در قاف حقیقت می‌جستند، تا روزگاری که در باغ‌های پرطراوت عرفان و فلسفه قدم زدند، همواره جهان را «آیین‌ه‌زار» دیده‌اند. در نگاه ایرانی، هر برگ درخت فقرتی است از معرفت و جهان مادی، پوسته‌ای است که مغز شیرین معنا را در خود پنهان کرده است.

با ورود اسلام و در امتداد آن تشیع، با تأکید بر رنج، شهادت، عدالت و انتظار، بر غنای دستگاه معنایی ایرانی افزود. مناسک محرم، زیارت، دعاها و رثاها، تجربه جمعی رنج را به یک ساختار معنایی تبدیل کرد که در آن خون شهید، صبر مادر، وفاداری یاران و ظلم حاکم، هر کدام جهانی از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها را در خود دارد.

در نتیجه، جامعه‌ای شکل گرفته که رنج را تنها

تیتیر های امر وز



سه‌میه بنزین ۱۵۰۰ تومانی و ۳۰۰۰ تومانی حفظ شد
و بنزین آزاد به ۵۰۰۰ تومان افزایش یافت

بنزین: ۳ نرخ

عملیات روانی اینترنشنال درباره حفاظت مقامات
ایران در راستای کدام پروژه موساد است؟

شبکه عملیاتی ترور

در یادار ایرانی: با وجود تحریم‌ها صدها فروند شناور
تحت اسکورت نیروی دریایی قرار دارد

ارتش علیه ماشه

درباره به‌روزرسانی ایکس از موقعیت مکانی کاربران

جنگ لوکیشن‌ها

ادامه وضعیت قرمز هوای پایتخت برای سومین روز متوالی

مه سومی روی تهران

قهرمان‌سازی قاتل: شکاف عمیق اعتماد
عمومی در پرونده قتل پزشک معروف در یاسوج

وقتی قضاوت ویژه

احسان‌ی می‌شود

سیاست‌های ایران در قبال غزه، مقبول‌ترین
سیاست‌ها از نگاه افکار عمومی اعراب

اعتماد ملت‌های عرب به ایران



نگاه

محمد مهدی سلامی

نگاه به یک مساله از زاویه بیرونی، بعضاً جنبه‌هایی از مساله را برای ما روشن می‌کند که نگاه از درون، چنین کارکردی ندارد. به قول مولوی در مثنوی معنوی: «خوش‌تر آن باشد که سز دلبران / گفته آید در حدیث دیگران». اینکه ما از خود تعریف کنیم، تازه به فرض آنکه حمل بر خودستایی نشود، دامنه اثر محدودی دارد اما اینکه دیگران از ما تعریف و تمجید کنند، طبعاً دامنه اثر وسیع‌تری خواهد داشت.

در همین باره، مرکز پژوهش‌ها و مطالعات سیاسی «العربی» (المركز العربی للابحاث ودراسه السیاسات)، به عنوان یکی از مراکز معتبر فکری و افکارسنجی جهان عرب که در کشور قطر واقع شده است، اخیراً از نتایج جدیدترین نظرسنجی خود رونمایی کرد. این نتایج که بخشی از کلان‌پروژه «شاخص افکار عمومی جهان عرب» (موسوم به Arab index) محسوب می‌شود و در تاریخ ۱۰ نوامبر سال جاری میلادی منتشر شده است، وضعیت افکار عمومی کشورهای عربی در قبال جمهوری اسلامی ایران را در میانه سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴ بازتاب می‌دهد. اهمیت این پیمایش خصوصاً به این سبب است که این بازه زمانی، حاوی حوادث ۱۷ اکتبر و تحولات پس از آن است و از این منظر، رفتار ایران در قبال جنگ غزه، زیر ذره‌بین ملت‌های عربی منطقه قرار گرفته است. مطلق بخشی از این نظرسنجی، از پاسخ‌دهندگان درباره موضوع گیری مهم‌ترین قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در قبال جنگ غزه سؤال شده است؛ با این پرسش: «این قدرت‌ها از نگاه شما چه موضعی در قبال این جنگ اتخاذ کرده‌اند؟» گزینه‌های موجود نیز مشتمل بر این کشورها بوده است: آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، روسیه، چین، ایران و ترکیه. در پاسخ، آنان ایران را واجد بهترین موضع‌گیری دانسته‌اند؛ با حدود ۴۸ درصد پاسخ مثبت (مجموع آمار رنگ‌های سبز و آبی). رتبه بعدی، از آن ترکیه بوده است با ۴۷ درصد پاسخ مثبت و پس از آن نیز به ترتیب روسیه، چین، فرانسه، آلمان، انگلیس و در انتها نیز آمریکا قرار گرفت‌اند.

ادامه در صفحه ۵

در شبکه‌های اجتماعی

@vatanemrooz

